

بررسی و تحلیل انواع ترانه‌های کودکان

محمد امین محمدپور^۱، علی اصغر بابا صفری^۲، غلامرضا ستوده^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

^{۲*} دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: babasafari321@gmail.com

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

در این جستار به شیوه کتابخانه‌ای ترانه‌های کودکان تحلیل و بررسی می‌شود. پس از تعریف ترانه و بررسی سیر آن در گذشته و امروز، ویژگی‌های ترانه‌های کودکان را می‌کاویم و این ترانه‌ها که داری ویژگی‌های غنایی هستند از نظر کاربرد و مضمون و محتوا طبقه‌بندی می‌شوند و به نمونه‌های آن‌ها می‌پردازیم. ترانه اصطلاحی عام است که به انواع قالب‌های شعری ملحون یا همراه موسیقی به ویژه فلهویات، دو بیتی، رباعی و تصنیف گفته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترانه‌های کودکان، بخش قابل توجهی از ترانه‌ها را شکل داده است. این ترانه‌ها به بخش‌های لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی، ترانه‌های قصه گونه و ترانه‌های بازی تقسیم می‌شوند که در میان این بخش‌ها بیشترین بسامد مربوط به ترانه‌های قصه گونه و لالایی‌ها است. زبان این ترانه‌ها ساده و عامیانه است و زیبایی و دلنشینی این ترانه‌ها تا حدود زیادی مدیون وزن‌های زنده و جذاب و صمیمی آن‌ها است. در بسیاری از این ترانه‌ها، تنها وزن و قافیه است که اهمیت دارد و مضمون شعر مهمل و بی معنی است.

کلیدواژه: شعر غنایی، ترانه، درون‌مایه، ترانه‌های کودکان.

۱- مقدمه

ترانه‌های کودکان از بخش‌های مهم ترانه‌های ایران است. ترانه، اصطلاحی عام بوده است که بر انواع قالب‌های شعری ملحون یا همراه موسیقی به ویژه فلهویات، دو بیتی، رباعی و بیت، گفته می‌شده است. در این پژوهش نشان داده می‌شود که ترانه‌های کودکان چه پرداختی دارد و چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی شکل دهنده ترانه‌های کودکان هستند. از این رو در پاسخ به این پرسش‌ها، در این جستار، ترانه‌های کودکان و ویژگی‌های آن‌ها در چند مرحله بررسی می‌شود. نخست بر مبنای بررسی و تحلیل فرم و زبان و محتوا به تعریف ترانه کودک می‌پردازیم و سپس ترانه‌های کودکان طبقه‌بندی و نمونه‌های آن‌ها بررسی می‌شوند.

۲- سوال تحقیق:

ترانه‌های کودکان در همه نواحی ایران در چه طبقه‌بندی قرار می‌گیرند؟

۳- فرضیه تحقیق:

ترانه‌های کودکان به بخش‌های لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی، ترانه‌های قصه گونه و ترانه‌های بازی تقسیم می‌شوند که در میان این بخش‌ها بیشترین بسامد مربوط به ترانه‌های قصه گونه و لالایی‌هاست.

۴- پیشینه تحقیق:

در پرتو بررسی های چند نویسنده، پژوهش هایی درباره ترانه های کودکان منتشر شده است؛ از جمله محمود کیانوش در کتاب « شعر کودک در ایران » به نقد و بررسی شعر کودک پرداخته است. زهرا مربیان در پایان نامه « بررسی جنبه های دراماتیک ادبیات عامیانه کودکان در ایران » به ترانه‌های کودکان از نظر جنبه‌های نمایشی و قابل اجرا بودن پرداخته است و برخی از آن‌ها را با رویکرد آموزشی بررسی کرده است. محمد مرادی نیز در مقاله « بررسی ویژگی‌های قالبی و ساختاری در ترانه‌های کودکانه رایج در فارس » در ترانه‌های این منطقه کارکرد موسیقی و روایت را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که موسیقی بیشتر از روایت در این ترانه‌ها اثر دارد. عباس قنبری عدیوی در مقاله « کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری » اشاره می‌کند که این سروده‌ها بسیار احساسی و هیجانی سروده شده‌اند. هر کدام از این پژوهش‌ها به جنبه‌ای از ترانه‌های کودکان پرداخته‌اند اما به طور همه جانبه به ترانه‌های کودکان در همه ناحیه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته نشده است.

۵- بحث و بررسی

۵-۱- جایگاه مادر در ادیان الهی

ترانه از واژه « تر » در لغت به معنای خُرد، تر و تازه و جوان خوش چهره، از ریشه اوستایی تَنورونَه، اصطلاحی عام بوده است که به انواع قالب‌های شعری ملحون یا همراه موسیقی به ویژه فهلویات، دو بیته، رباعی و بیت، گفته می‌شده است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۶) که ریشه آن به ترانه‌های مردمی در دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. در واقع ترانه صورت تکمیلی اشعار هجایی قبل از اسلام است که عرب‌ها بعد از اسلام آن را فهلویات نامیده‌اند. (ر.ک: نشاط، ۱۳۴۲: ۹۹) با توجه به ریشه باستانی و فولکلوریک ترانه‌ها، کهن‌ترین اشعار فارسی در میان این نوع ادبی یافت شده است و در سروده‌های زرتشت که در « گات‌ها » ثبت شده، به عنوان نخستین نمونه‌های روحیه ایرانی، پدیدار می‌شود. هرچند از ادبیات ایرانی دوره میانه، اشعار زیادی بر جای نمانده است، « سروده‌های مانوی بخش عمده‌ای از اشعار ایران پیش از اسلام (دوره میانه) را تشکیل می‌دهد. » (تفضلی: ۱۳۷۶: ۳۴۸)

ادبیات منظوم عامه و بومی سروده‌های منطقه‌های مختلف ایران و کشورهای فارسی زبان گنجینه بزرگی است که حافظان آن مردم عادی و به ویژه آواز خوانان و نوازندگان منطقه‌های مختلف هستند که در هر جا به نامی خواننده می‌شوند و روش‌های اجرایی ویژه‌ای دارند. عامه سروده‌ها بخشی از ادبیات شفاهی و شامل اشعاری است که به مناسبت‌های آیینی، ملی و مذهبی میان مردم رایج است و شاعران گمنام محلی با ذوق روستاییشان می‌سرایند. عامه سروده‌ها به شیوه‌ای گویا و زنده بیانگر احساسات، عواطف، دردها و عقاید مردم هستند. هر ملتی با زمزمه ترانه‌های محلی بالیده و در اوج و فرود و کشمکش‌های زندگی به کمک این ترانه‌ها باری از مشکلات را از دوش خود و دیگران برداشته‌اند. این ترانه‌ها، همواره تسکین‌دهنده دردها و رنج‌های ناشی از کار و تلاش زندگی فردی و گروهی انسان‌ها بوده است. همراه کردن موسیقی با ترانه‌ها سبب می‌شد این ترانه‌ها فراگیر شده و بر سر زبان‌ها بیفتد و همواره در تاریخ به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شوند.

۵-۲- ترانه‌های کودکان

زیبایی و دلنشینی این ترانه‌ها تا حدود زیادی مدیون وزن‌های زنده و جذاب و صمیمی آن‌ها است. چندانکه در بسیاری از این ترانه‌ها، تنها وزن و قافیه است که اهمیت دارد و مضمون شعر مهمل و بی‌معنی است. (ر.ک: وحیدیان کامیار، ۱۳۵۷: ۱۰، به نقل از: شعر کودک در ایران، محمود کیانوش) در این فصل کودکانه‌ها در زیر چهار عنوان آمده است: لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی، ترانه‌های قصه‌گونه و ترانه‌های بازی.

۵-۲-۱- لالایی‌ها

لالایی ترانه‌ای است به زبان عامیانه بسیار ساده که نماینده روح پاک و آرزومند مادران شهری و روستایی است و از ابتدایی‌ترین ترانه‌هایی است که هر کودکی را برای نخستین بار با طنین موسیقی محبت‌آفرین مادرانه آشنا می‌سازد، آن گونه که شاعری سروده است: تو با لالایی خود، خواب از چشم چنان بردی / که من خورشید را، بیدار، بالای سرم دیدم. (تیمور گرگین) لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی، نقش مهمی در نهادینه کردن ارزش‌ها و باورها دارند؛ زیرا در این ترانه‌ها از مطلوب‌هایی سخن گفته می‌شود که کودکان باید بیاموزند و نخستین واژگانی هستند که کودک با آن‌ها آشنا می‌شود. لالایی‌ها یکی از غنی‌ترین بخش‌های فرهنگ معنوی جامعه به حساب می‌آیند و نقش فراوانی در اجتماعی کردن افراد جامعه دارند و نیز نخستین آموزه‌های فرهنگی هستند که مادران به فرزندان منتقل می‌کنند. ترانه‌های نوازشی جای انتقال ایثار و محبت، مهربانی، شادی قلب و روح و نوازش‌دهنده کودک‌اند و از این حیث مضمون این نوع ترانه‌ها شبیه به لالایی‌ها است. مضمون این ترانه‌ها شامل لالایی مادرانه، نوازش نوزاد، نوازش دختر یا پسر

کوچک است. « ترانه‌های کودکان، به اندازه‌ای با روحیه و زندگی بچه متناسب است که همیشه نو و تازه مانده و چیز دیگری نتوانسته است جانشین آن‌ها بشود. » (هدایت، ۱۳۱۰: ۱)

« لَه » و « لالا » به معنی دایه و مربی کودک عنوان شده است. لالایی‌ها از جنبه موسیقایی نیز اهمیت دارند. همگامی آهنگ با لالایی، کودک را در لذت و رویا غرق می‌کند؛ زیرا کودک از اساس مفهومیها و معانی لالایی را درک نمی‌کند، بلکه این آوا و آهنگ است که در او اثر می‌گذارد.

« لالالا گل خشخاش

بابات رفته، خدا همراهش

لالالا گل فندق

ننه ت اومد سر صندوق

لالالا گل پسته

بابات رفته کمر بسته

لالالا گل پونه

گدا اومد در خونه

نونش دادم بدش اومد

خودش رفت و سگش اومد « (وحیدیان کامیار، ۱۳۵۷: ۱۶۰)

در نمونه دیگر:

- « لالایت می‌کنم با دس پیری

که دس مادر پیری بگیری

لالایت می‌کنم، خوابت نمی‌یاد

بزرگت می‌کنم، یادت نمی‌یاد « (هدایت: ۱۳۳۴: ۳۶۲ - ۳۶۴)

۵-۲-۲- ترانه‌های نوازشی

ترانه‌های نوازش کودک، هم بیانگر محبت و روح نوازش دهنده به کودک‌اند و هم نشان‌دهنده برخی عقده‌ها، کمبودها و میل‌های سرکوفته به شمار می‌روند. نمونه‌هایی را در زیر می‌آوریم:

برای نوازش دختر:

سفید سفیدش صد تمن

سرخ و سفید سیصد تمن

حالا که رسید به سبزه

هر چی بگی می‌ارزه

- به کس کسونش نمی‌دم

به مرد پیرش نمی‌دم

برای پسر بزرگترش

برای نوازش پسر:

شاه بیاد با لشکرش

شاهزاده‌ها پشت سرش

نمی‌دم به دخترش (ر.ک: هدایت، ۱۳۱۰: ۲۸ - ۱۳)

در آذربایجان:

« بالاما قوربان ایلاتالار

بالام ناواخت دیل آنلار؟

مارها فدای بچه‌ام بشوند

بچه‌ام کی زبان می‌فهمد؟

داغدا داریلار - در کوه ذرت‌ها (ارزن) سبز می‌شوند
 سونبول ساریلار - سنبل‌ها زرد می‌شوند
 قوجا قاریلار - ای کاش که پیرزنان
 بوپالاما قوربان - فدای این بچه‌ام بشوند « (روشن، ۱۳۵۸: ۱۸۴)

در رشت:
 « تی جانا قوربان
 بابه کوچی دانه
 دیشب چه خوردی؟
 آب هندوانه
 کجا خوابیدی؟
 لب رودخونه
 تی جانا قوربان
 بابه کوچی دانه
 برگردان: تی جانا قوربان: قربان جان تو؛ بابه کوچی دانه: بچه کوچک بابا « (پاینده لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۲۴)
 در بختیاری:

شکرت شکرت شکرونی - ای خدا دادی نستونی
 برگردان: خدایا با سپاس فراوان از تو، این پسری که به ما داده‌ای، پس نگیر.
 - بوم تو، گگوم تو - به یو ریم به باغ توتو
 برگردان: بابام تو هستی، برادرم تو هستی، بیا به باغ سماق برویم.
 - باغ گلمی تو، جون دلمی تو - خرمنی تو، حاصلمی تو
 برگردان: باغ گل من، جان دل من، خرمن و حاصل من تو هستی.
 - دهدر مالا - خوش کد و بالا
 برگردان: دختر خانواده و طایفه، کمر و بالا تنه زیبایی دارد.
 - قربون گوش وا عقل و هوش
 برگردان: قربان گوشش که با عقل و هوش است (ر.ک: رضایی: ۱۳۹۴: ۴۹ - ۵۳)
 - دهدرم دهدر زنه - او یاره مشک ایزنه
 او یاره هیمنه - اشوره رختا میرنه
 برگردان: دخترم دختر زن است. آب می‌آورد، دوغ می‌زند. آب و هیزم می‌آورد و لباس‌های شوهر را می‌شوید.
 - خو خیری برات تا مو رم به هیمه - بیارم هیمه بلیط خار گینه
 برگردان: به خواب خوش بروی تا من هیزم بیارم، هیزم که از بلوط و خارگون است.
 - خو خیری برات تا میسیم چاست - پزم نون، بیارم او، زنه ماست
 برگردان: تا موقع عصر، خواب بروی تا نان بپزم، آب بیاورم و دوغ بزنم. (ر.ک: قنبری عدیوی، ۱۳۹۰: ۱۴۹ و حنیف، ۱۳۸۶: ۲۷)
 در کرمان:

« ماه تی تی، الله تی تی
 بابای ما را کجا دیدی؟
 سر کوه تهر میکرو دیدم
 چکار می کرد؟
 گل می کند و بو می کرد
 یادی از حسنو می کرد

الله تی تی کلمه‌ای است که برای نوازش بچه به کار می‌رود. بچه را به پشت می‌خوابانند و ماه را به او نشان می‌دهند و الله تی تی می‌گویند، وقتی

سرش را بلند کرد زیر گلویش را قلقلک می‌دهند. « (احمد پناهی: ۱۳۸۳: ۲۲۰)

شاعران معاصر، به قالب لالایی توجه داشته‌اند و لالایی‌هایی هم با مضمون‌های سیاسی و اجتماعی در این چارچوب سروده‌اند. از شاعران دوران مشروطه، اشرف الدین گیلانی و بعدها احمد شاملو، لالایی‌های اجتماعی ساخته‌اند.

«لالایی لای گل پونه لالایی لای
بابات رفته دلم خونه ÷ لالایی لای
بابات امشت نمی‌آید لالایی لای
گرفتن بردنش شاید لالایی لای
بخواب آروم چراغ من لالایی لای
گل شببوی باغ من لالایی لای
بابات شب رفته از خونه لالایی لای
که خورشیدو بجنبنونه...» (شاملو، ۱۳۸۲: ۲۸۶)

۵-۲-۳- ترانه‌های قصه‌گونه

بیشتر دوست‌داران قصه‌ها کودکانند که در سال‌های مختلف رشد خواهان قصه‌های گوناگون هستند. کودکان خردسال و دبستان ندیده، بیشتر به قصه‌هایی راغب‌اند که جنبه متل و ترانه در آن‌ها قوی‌تر از روایت واقعه و معنی نهفته در آن‌ها باشد. آنچه در این گونه قصه‌ها شنونده را جذب می‌کند، آهنگ و موسیقی قصه است که روح حساس و ساده کودکان خردسال را به بازی می‌گیرد و آن‌ها را با جریان روایت قصه و آهنگ یکنواخت آن همراه می‌کند. قصه‌گونه و متل‌هایی مانند «دویدم و دویدم» از این گروه است.

قصه‌گونه «دویدم و دویدم»:

«دویدم و دویدم سر کوهی رسیدم
دو تا خاتونی دیدم یکیش به من آب داد
یکیش به من نون داد نونو خودم خوردم، آبو دادم به زمین
زمین به من علف داد علفو دادم به بز
بز به من پشکل داد پشکلو دادم به نونوا
نونوا به من آتیش داد آتیشو دادم به زرگر
زرگر به من قیچی داد قیچی را دادم به درزی
درزی به من قبا داد قبا را دادم به بابا...» (هدایت، ۱۳۱۰: ۷)

در این ترانه روند کار که زنجیره بقای هستی با آن جوش خورده است، با زبانی ساده به نمایش گذاشته می‌شود و چرخش جاوید مواد و تبدیل اشیا و عنصرها که در بسیاری از ترانه‌های عامیانه دیده می‌شود، توصیف شده است، به طوری که حوزه معنایی آن از حوزه کودک فراتر می‌رود، با وجود این پایان ترانه به صورتی خنده‌آور و هجوآمیز در می‌آید که با سیر خود متن ترانه تناقض دارد. (ر.ک: طبری، ۱۳۵۹: ۵۱۱) برخی از ترانه‌های عامیانه به خودی خود قصه نیست ولی در پوشش قصه می‌آید. مانند ترانه زیر که قصه‌ای پر از نغمه شاعرانه است و به تمام معنی یک بالاد لطیف انسانی درباره تنگ میدانی و بازگونی سرنوشت است.

- متل «ترانه داستانی بلبل سرگشته»:

منم، منم بلبل سرگشته
از کوه و کمر برگشته
مادر نابکار مرا کشته
پدر نامرد مرا خورده
خواهر دلسوز
استخوان‌هایم را با هفتا گلاب شسه
زیر درخت گل چال کرده
منم شدم یه بلبل
پر... پر...

نمونه‌های دیگری از مثل و قصه را در زیر می‌آوریم:

مثل « پنج انگشت » (با اشاره به انگشتان دست و شروع از انگشت کوچک):

لی لی، لی لی حوضک
گنجشکه اومد آب بخوره، افتاد تو حوضک
این دوید و این درش کرد
این ماچی بر سرش کرد
این نازی بر پرش کرد
این کله گنده اومد...

- قصه‌گونه « رفتم به سوی صحرا »:

دیدم سواری تنها	« رفتم به سوی صحرا
گفتا: سوار یل	گفتم: سوار کیستی؟
گفتا: کتاب پر غزل	گفتم: چه داری در بغل؟
گفت: آسمان آراسته	گفتم: بخوان تا گوش کنم
مهتاب خوش است	آفتاب خوش است
می‌رویم پیش خدا...» (هدایت، ۱۳۱۰: ۹)	می‌زنم طبل علا

- « رفتم به باغی

دیدم کلاغی
سرش بریده
خونش چکیده
کلاغه می گه غار و غار
سفره قلمکار کار...
- حسنی کجاس؟ تو باغچه
چی چی می چینه؟ آلوچه
برای کی؟ برا دخترای تو کوچه
کی برود کی نرود

غلام سیا پیش برود « (وحیدیان، ۱۳۵۷: ۱۳۸)

رفته رفته در سال‌های پایان کودکی، رغبت کودکان از آهنگ کلام گوینده به هیجان داستان و گره‌های داستانی و گره‌گشایی‌های آن جلب می‌گردد. در این دوران کودک بیشتر راغب است که قصه را از دهان گوینده‌ای با آب و تاب بسیار و شاخ و برگ فراوان بشنود و زیر تاثیر لذت بخش و سکر آور آن پلک‌هایش سنگین شود و به خواب عمیق فرو رود.

در ترانه‌های داستانی، گوناگونی وزن‌های عروضی و ترجیع‌ها و پیوندهای گوناگون همراه با مضمون‌های رنگین، کشش و جاذبه به وجود می‌آورند. ویژگی عمده ترانه‌های داستانی افزون بر جنبه سرگرمی و آموزش در این است که در آن‌ها به کودک کمک می‌شود تا حافظه‌اش تقویت شود و حفظ ترتیب را در بیان تمرین کند. قصه‌گونه « دزده و مرغ فلفلی » نمونه‌ای از این نوع ترانه‌ها است. از دیگر ویژگی‌های ترانه‌های قصه‌گونه این است که در سرآغاز قصه‌ها، ترانه‌ای را می‌خوانند که در ظاهر برای جلب کودک به شنیدن قصه است و به طور معمول این ترانه است:

« یکی بود، یکی نبود
سر گنبد کبود
پیرزنی نشسته بود،
اسبه عساری می‌کرد،
گربه بقالی می‌کرد،
شتر نمدمالی می‌کرد...»

یا در آغاز قصه با گفتن:

یکی بود، یکی نبود زیر گنبد کبود...

در پایان قصه‌ها نیز به طور معمول این ترانه خوانده می‌شود:

بالا رفتیم ماس بود

پایین اومدیم ماس بود

قصه ما راس بود

بالا رفتیم دوغ بود

پایین اومدیم دوغ بود...

قصه ما دروغ بود...» (طیب زاده، ۱۳۸۲: ۲۰۴)

ترانه‌های دیگری هم برای آغاز و پایان قصه‌ها وجود دارند، مانند پایین اومدیم دوغ بود، بالا رفتیم ماس بود، قصه ما راست بود. یا قصه ما به سر

رسید، کلاغه (یا غلاغه) به خورش نرسید. (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۷۶: ۵۶)

در غالب قصه‌های بومی، مقدمه‌ای هم آورده می‌شود که به منظور جلب توجه است و گاه از اساس ربطی به قصه ندارد. برای نمونه در ادبیات

آذری مقدمه یکی از قصه‌های عامیانه چنین است:

در ترانه « مناظره دشت و کوه »:

« آران دیبه ر: باغچامنیم، بار منیم

گنجه گوندوز قوللوق ائده ر باغوانیم

سوسن، سونبول گولشنلر منده دی

یایلاق دیبه ر: منم چشمه لر باشی

آخار هئچ قوروماز دیده مین یاشی

پله ه لریاتاغی، اووچی سیرداشی

کوکسو آلاقرلی داغلار منده دی

برگردان: دشت می‌گوید: باغ و میوه مال من است. شب و روز باغبان به من خدمت می‌کند. سوسن‌ها و سنبل‌ها و گل‌ها مال من است. ییلاق

می‌گوید: من منع چشمه‌ها هستم. اشک دیده‌ام همیشه جاری است و خشک نمی‌شود. خوابگاه پلنگان و پناهگاه شکارچیان هستم. قلعه‌های پر برف مال

من است « (همان: ۲۵ و ۲۶)

۵-۲-۴- ترانه‌های بازی

ترکیب دو طرف بازی کننده در بیشتر بازی‌هایی که حالت گروهی دارد با انتخاب اعضا مشخص می‌شود. در برخی بازی‌ها، لفظ‌های موزونی به کار

می‌برند که نمونه‌هایی از آن در تهران و برخی شهرها شهرت ویژه‌ای دارند.

در سمنان « یک نفر از بازیکنان ترانه زیر را می‌خواند و با هر واحد وزنی، ضربه‌ای بر سینه یکی از بازیکنان می‌زند. با گفتن واژه « چناره » به

سینه هر کس دست بخورد، او انتخاب می‌شود:

« اتک، متک، توتولچه

شمر، ممر، فانوسچه

میخ، ملک، شزاده

تپ و توپ و چناره « (احمد پناهی، ۱۳۸۳: ۱۸۴)

در تهران « طبق قرار داد، پشت یا کف دست ملاک پیش بینی قرار می‌گیرد، سپس با گفتن واژه‌های زیر، دست‌ها را در هوا حرکت می‌دهند و

پس از پایان آخرین کلمه، دست‌ها را (کف یا پشت دست) در جلو نگه می‌دارند:

پالام

پولوم

پلیش

یا: سنگ

کاغذ

قیچی

نمونه دیگر ترانه بازی:

« اوستا: یه مرغ زردی داشتم خیلی دوستش می داشتم

توله هه اومد و بردش سر پا نشس و خوردش...

سگ اومد: شاگردها: کدوم سگ؟

اوستا: همون سگ که مرغو خورده شاگردها: کدوم مرغ؟

اوستا: همون مرغ زرد پا کوتا، گردن هما که شیش قرون تاهش قرون می خریدنش نمیدادمش...

ترانه می تواند بر حسب استعداد اوستا و حوصله شاگردان به شکل‌های مختلف ادامه یابد. برای نمونه:

اوستا: خر اومد شاگردها: کدوم خر؟

اوستا: همون خر که آبو خورده شاگردها: کدوم آب؟

اوستا: همون آب که تش خاموش کرد شاگردها: کدوم تش؟ « (شاملو، ۱۳۵۷: ۱۵ و ۱۶)

نمونه‌ای دیگر از بازی‌های لفظی در کرمان:

« امشب شب سه شنبه‌ی

فردا شبیم، سه شنبه‌ی

ئی سه سه شب

او سه سه شب

سه شنبه‌ی « (احمد پناهی، ۱۳۸۳: ۱۹۴)

از دیگر ترانه‌های بازی، ترانه‌های برشمردنی هستند که در بحث وزن به آن‌ها اشاره شد. در ترانه‌های برشمردنی، کمیت‌ها خواه در نقش عدد و خواه

در نقش اشیا یا جانداران، موضوع و مضمون قرار می‌گیرند.

« یک و دو و سه زنگ مدرسه

چار و پنج و شیش ناظم بیا پیش

هفت و هشت و نه یک قدم جلو

ان و لن و کی و اذن مش غلامحسین زنگو بزن

فتیله فردا تعطیله

لوبیا صُب زود بیا

عدسی فردا مرخصی « (هدایت، ۱۳۱۰: ۱۰)

در زمان قاجار عامه مردم در مکتب خانه‌های عمومی درس می خواندند و مشق می کردند. در این مکتب خانه ها، بچه‌ها برای خود تصنیفی

داشتند که می‌خواندند:

« سه شنبه کنی فکری

چارشنبه کنی ذکری

پنجشنبه کنی شادی

جمعه کنی بازی

ای شنبه ناراضی

پا در فلک اندازی

چوب‌های آلبالو

پاهای خونالود « (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۶۲)

نمونه دیگر ترانه « لی لی، لی لی، لی لی حوضک «:

« لی لی، لی لی حوضک

گنجیشکه اومد آب بخوره، افتاد تو حوضک... « (هدایت، ۱۳۳۴: ۱۳۳ و ۳۱۴)

این ترانه ویژگی‌های شعری (وزن، قافیه) را حتی در آن چهارچوب گسترده‌ای که پیش از این یاد کردیم ندارد و نوعی نثر موزون است که حرکت‌های بازی به جمله‌ها و واژه‌های آن آهنگ و ضرب معینی می‌بخشد. دوم این که از این ترانه نسخه بدل‌های گوناگونی در زبان عامیانه موجود است. ادامه ترانه، به صورت‌های زیر نیز شنیده شده است:

این گفت: بریم دزدی، این گفت: چی چی بدزدیم، این گفت: تشت طلای خونۀ پادشاه را (بدزدیم)، این گفت: جواب پادشاه را کی میده، این گفت: من سر گنده میدم. (ر.ک: طبری، ۱۳۵۹: ۵۱۹)

هدف این ترانه‌ها سرگرمی و به کارگیری هوش و تقویت حافظه و حفظ ترتیب در بیان مطلب و استفاده از مهارت‌های ذهنی بوده است. ترانه‌های بازی، چیستان و معما، ترانه‌های برشمردنی و ترانه‌های بی معنی در این بخش جای دارند.

ترانه « اشتر به چراست در بلندی » که در بخش قالب‌های ترانه عامیانه به آن پرداختیم، نمونه دیگری در وصف شتر است که دارای ویژگی‌های شعری ویژه‌ای است. متن آن چنین است:

« اشتر به چراست در بلندی

کلش به مثال کله قندی

گوشش به مثال باد بزند و کله قندی

ابروش به مثال تیر کمند و باد بزند و کله قندی

چشمش به مثال دور کشند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی

دماغش به مثال دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی... » (هدایت، ۱۳۱۰: ۳۳)

در این ترانه نیز تمرین حافظه و به خاطر داشتن سلسله کلمه‌ها همراه با توصیف شتر برای کودکان جالب است. نمونه‌های دیگری از قصه‌گونه:

« رفتم به صحرا،

دیدم قورباغه،

گفتم: قورباغه، دماغت چاقه!

رفتم به صحرا دیدم خرخاکی،

گفتم: خرخاکی، چه قدر ناپاکی!

رفتم به صحرا دیدم لاک پشت (لاک را باید با کاف مکسور تلفظ کرد)

گفتم: لاک پشت قرت ما را کشت

رفتم به صحرا دیدم مارمولک،

گفتم: مارمولک، عیدت مبارک! ...»

ترانه‌ای دیگر مربوط به قصه « بزک زنگوله به پا » است:

- « این کیه تاپ تاپ میکنه؟

آش منو پره خاک میکنه؟

منم منم بزب قندی (یا: بزک زنگوله به پا)،

ورمی جم دو پا دو پا (یا: روی هر دو پا)،

دو شاخ دارم در هوا،

دو پای دارم بر زمین...»

این قصه نیز دارای گسترش در نزد قوم‌های مختلف آریایی است و همانند آن در زبان‌های اروپایی وجود دارد. « (طبری، ۱۳۵۹: ۵۱۵)

بعضی از ترانه‌ها جنبه آموزشی و تنبیهی دارند:

هر کی به گل دست بزنه

شاپره نیشش میزنه

یا بسیاری به صورت چیستان به کار می‌روند:

من سیاه سر بریده

تو سفید همچو برفی

تو به زیر و من به بالا

تو نجم تا من بجنم (قلم و کاغذ)

شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۲ نخستین کتاب سرود در ایران را به چاپ رساند و تدریس آن را در کلاس‌های چهارم و پنجم و ششم ابتدایی تصویب کرد. شعرهای کتاب سرود مدرسه از شاهنامه فردوسی انتخاب شده است و در پایان کتاب چند سرود از شعرهای حسین گل گلاب آمده است. در مقدمه کتاب نوشته شده است: «موسیقی، شما را برای نگرهبانی وطن، هم آواز می‌کند. از نفیر پر شور و سرود ملی، دل‌های جوان شما بزرگ و محکم گشته، آهنگ‌هایی موزونی که می‌سرایید، تارهای وجود شما را با یکدیگر هم نوا ساخته، در هم مخلوط و ممزوج می‌نماید. در سراسر زندگی، درون شما به این آهنگ‌ها مترنم خواهد بود و خاطرتان از یادگار انس و الفت هم‌آوازان مدرسه، شاد و خرم خواهد ماند و هم هر کس این سرودها را بخواند، گوشه‌ای در قلب شما گرفته و دل شما جایگاه صفا و محبت تمامی اهل وطن خواهد گشت.» (خالقی، ۱۳۸۵: ۲۶۳) برای نمونه:

«سرود دانش»:

آدمی را زیور جان دانش است	گر شنیدی آب حیوان دانش است
دانش افزاید جوان را عز و جاه	معرفت گم گشته را آرد به راه
گیتی چون درجی پر گهر	دانش آن را کلید در
هر کس آن قفل از در گشود	آن لعل و آن گوهر ربود...

کنل وزیر مقدری از آهنگ‌های ساده تهیه کرد و موسیقی ویژه‌ای برای کودکان به وجود آورد، مانند: آفتاب، گنجشک، مادر، کودک یتیم، ماه و... که کلامش از گل گلاب است. وزیری برای ساختن آهنگ شعرهایی را که در کتاب‌های درسی بود انتخاب کرد، مانند «پسر هوشیار» و «ای وطن» که شعرهای سرود اخیر از میرزا عبدالعظیم خان قریب، معلم دارالفنون انتخاب شده بود.

سرود «ای وطن» در پرده دشتی:

«کشور ما کشور ایران بود	مسکن شیران و دلیران بود
پادشهبش کورش و دارا بود	چون جم و خسرو شه والا بود
ای وطن، ای حب تو آیین من	دوستی‌ات کیش من و دین من « (خالقی، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

در دوره معاصر ترانه‌سرایانی مانند احمد رضا احمدی و محمود کیانوش و... به سرودن ترانه‌های کودکان پرداخته‌اند. برای نمونه ترانه «من نوشتم بارون» که با موسیقی فریبرز لاچینی و صدای سیمین قدیری اجرا شده است:

«روی دیوار سفید خونه‌مون
من با رنگ سبز یه جاده کشیدم
جاده‌ای پر از درخت و گل و یاس
جاده‌ای پر از بهار و عطر یاس
رنگ سبزم کم اومد
باد اومد پاییز اومد
روی جاده قشنگ
ابر اومد بارون اومد
من نوشتم بارون
من نوشتم بارون...» (مسعود، ۱۳۵۹: نوار صوتی)

نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ترانه‌های کودکان بخشی از درون مایه‌های ترانه‌های ما را شکل داده است. این ترانه‌ها به بخش‌های لایه‌های، ترانه‌های نوازشی، ترانه‌های قصه‌گونه و ترانه‌های بازی دسته‌بندی می‌شوند که بیشترین بسامد در بین آن‌ها مربوط به ترانه‌های قصه‌گونه و لایه‌ها است. این ترانه‌ها که بیانگر روحیه پاک و آرزومند مادران شهری و روستایی است، نقش مهمی در نهادینه کردن ارزش‌ها و باورها دارد و در آن‌ها از مطلوب‌هایی سخن گفته می‌شود که کودکان باید بیاموزند و نخستین واژگانی هستند که کودک با آن‌ها آشنا می‌شود. در ترانه‌های کودکان زیبایی و دلنشینی ترانه‌ها تا حدود زیادی به خاطر وزن‌های زنده و جذاب و صمیمی آن‌ها است. چنان‌که در بسیاری از ترانه‌ها، تنها وزن و قافیه است که اهمیت دارد و مضمون شعر بی معنی است.

منابع:

- ۱- احمدپناهی، محمد (۱۳۸۳)، ترانه و ترانه سرایی در ایران: سیری در ترانه‌های ملی ایران، چاپ اول، تهران: سروش.
- ۲- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، چاپ اول، تهران: اسپرک.
- ۳- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۷)، آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم، تهران: چاپ دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۵- حنیف، محمد (۱۳۸۶)، سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، چاپ اول، تهران: طرح آینده.
- ۶- خالقی، روح‌الله (۱۳۸۵)، سرگذشت موسیقی ایران، چاپ ششم، تهران: صفی‌علیشاه.
- ۷- رضایی، حمید؛ ظاهری عبده‌وند، ابراهیم (۱۳۹۴)، «تاثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری»، مجله ادبیات عامه، دوره ۳، شماره ۷، صص ۴۴ - ۷۱.
- ۸- روشن، ح (۱۳۵۸)، ادبیات شفاهی مردم آذربایجان، تهران: دنیا.
- ۹- شاملو، احمد (۱۳۵۷)، کتاب کوچه، ج ۳، چاپ اول، تهران: مازیار.
- ۱۰- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، سیر رباعی، چاپ اول، تهران: علم.
- ۱۱- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۰)، «گونه ترانه در ادبیات عامه بختیاری»، ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، شماره ۱، صص ۱۴۹ - ۱۷۶.
- ۱۲- _____ (۱۳۹۲)، «کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری»، فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۳، صص ۳۳ - ۵۲.
- ۱۳- کیانوش، محمود (۱۳۵۵)، شعر کودک در ایران، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۱۴- طبری، احسان (۱۳۵۹)، «ترانه‌های عامیانه و برخی مختصات فنی و هنری آن»، نوشته‌های فلسفی و اجتماعی، چاپ اول، تهران: حزب توده ایران.
- ۱۵- مرییان، زهرا (۱۳۹۰)، «بررسی جنبه‌های دراماتیک ادبیات عامیانه کودکان در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- ۱۶- مرادی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی ویژگی‌های قالبی و ساختاری در ترانه‌های کودکان رایج در فارس»، نشریه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، شماره ۳، صص ۸۳ - ۱۰۲.
- ۱۷- مساعد، ژیلا؛ محمود کیانوش (۱۳۵۶)، آلبوم آوازهای دیگر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۸- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: زوار.
- ۱۹- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶)، واژه‌نامه هنر شاعری، چاپ اول، تهران: کتاب مهناز.
- ۲۰- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۵۷)، وزن و قافیه شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۱- نشاط، سید محمود (۱۳۴۲)، زیب سخن یا علم بدیع فارسی، چاپ اول، تهران: مهر آیین.
- ۲۲- هدایت، صادق (۱۳۱۰)، اوسانه، چاپ اول، تهران: فردوسی.
- ۲۳- _____ (۱۳۳۴)، نیرنگستان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- _____ (۱۳۳۴)، نوشته‌های پراکنده، به کوشش حسن قائمیان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

Investigation and Analysis Kinds of Clarity Children's songs

Abstract:

Children's songs are one of the most important parts of Iranian songs. In this essay, the mystical song in songwriting is examined, the oldest Persian poetry has been found among the songs. The song is a general term used to refer to various types of poetry melodies or music accompanying, in particular Fahlaviyat, couplet, quatrain, and folkloric song. . Lyrics literally denoted small and fresh, whose etymology is rooted in Avestan language, and was a general term referring to a variety of melodic or rhythmic forms of poetry, particularly couplets and quatrain. Since lyrics have ancient roots, the oldest Persian poems are believed to be lyrics. Today, lyrics are synonymous with ballads and generally imply a rhythmic flow of expression. There are various rhythms in the lyrics such as prosodic and syllabic and a combination of both, and some are melodic. Lyrics have a simple and intimate language with colloquial and emotional themes. The findings of the research show that the children 's songs are a noticeable part of the song . The songs are divided into different parts. Where the highest frequency is related to story songs, The language of these songs is simple and popular, and beauty of these songs is largely due to their sweet and charming song. In many of these song it is only rhyme that is important and the content of poem is meaningless.

Keywords: Poem lyric, song, theme, Children's songs